

**گزارش افشاگرانه خراسان از جراحی دوباره بیماران**ی که با **پلاتین** های **کج** شده به بیمارستان باز می گردند

# جنجال پلاتین های مشکوک!

**سید خلیل سجاد پور** – کنکاش و پیگیری های خبرنگار روزنامه خراسان در باره ماجرای بیمارانی که بعد از عمل جراحی با پلاتین های کج شده در پا، به مرکز درمانی باز می گشتند به نتایج تلخی رسید که حکایت از پشت پرده های مشکوکی دارد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این حکایت های تاسف بار از مدتی قبل در حالی شروع شد که اخباری از عوارض شدید بعد از عمل های جراحی در یکی از بیمارستان های نیشابور خبرنگار خراسان را به تکاپو واداشت و پیگیری های نامحسوس برای یافتن این بیماران ادامه یافت.

این اخبار حاکی از آن بود که تعدادی از بیمارانی که مورد عمل جراحی ارتوپدی (استخوان) قرار گرفته و با تحمل هزینه های زیاد «پلاتین گذاری» کرده اند، دوباره با عوارضی شدید به بیمارستان باز می گردند!

پیگیری این موضوع در حالی بسیار دشوار بود که بیماران مدعی بودند تحمل دردهای وحشتناک را ندارند و به قول معروف زجر جوش می شوند اما در روز گذشته حکایت عجیبی در همین بیمارستان رخ داد که پشت پرده پلاتین های جنجالی را مشکوک تر کرد.

همراه یکی از بیماران (خ- الف) که حدود ۴۰ روز قبل در اتاق عمل بیمارستان جراحی و پلاتین گذاری شده بود با راز نا راحتی از وضعیت موجود به تشریح ماجرای پرداخت که چگونه بعد از انجام عمل جراحی و پلاتین گذاری در پای مادرش، او بدون این که حادثه ای برایش رخ دهد دچار عوارض شدیدی شده



و با در تورم پا دست به گریبان است.

در همین حال دو بیمار دیگر که سخنان او را می شنیدند از شدت تعجب و با چشمانی حیرت زده، به او می نگریستند چرا که آن ها نیز به همین شیوه زیر تیغ جراحی رفته بودند با همین عوارض وحشتناک دست و پنجه نرم می کردند. بیان این حکایت ها در حالی خبرنگار خراسان را وارد ماجرای پلاتین های مشکوک کرد که تصویر برداری و اظهار نظر های پزشکی نشان می داد: پلاتین های کار گذاشته شده در پای بیماران، به شدت کج شده یا به اصطلاح عامیانه شکسته است! بنابراین سرخ این ماجرا به شرکت هایی می رسید که مسئول خرید بیمارستان پلاتین های مذکور را از آن جا خریده اند یا به صورت دولتی در اختیار بیمارستان ها قرار گرفته است که خود نیاز به توضیح مسئولان و مدیران وزارتخانه دارد.

در همین حال همراه یکی از بیمارانی که روز گذشته قرار بود تا ساعتی دیگر دوباره زیر تیغ جراحی برود در باره این ماجرای تلخ به خبرنگار خراسان گفت: حدود ۴۵ روز قبل مادر م را به یکی از بیمارستان های نیشابور رساندیم. او به دلیل کهولت سن حادثه ای برایش اتفاق افتاد و استخوان پایش آسیب دید که پزشک معالج ما را به بیمارستان معرفی کرد و تشخیص دادند که پای مادر م باید مورد عمل جراحی قرار گیرد. ولی به دلیل این که مادر م بیماری دیابت هم دارد و باید غلظت خون او تنظیم می شد چند روز در بیمارستان بستری بود و وقتی تشخیص پزشکان متخصص این

شد که باید پای مادر م «پلاتین گذاری» شود به آن ها گفتیم اگر اجازه بدهید ما از بیرون پلاتین تهیه کنیم ولی متصدیان مربوط اصرار داشتند که بیمارستان خودش پلاتین دارد و ما فقط از همین پلاتین ها استفاده می کنیم. ما هم که تخصصی یا اطلاعاتی در این باره نداشتیم موافقت کردیم و بعد از انجام عمل «پلاتین گذاری» مادر م را به منزل بردیم ولی بعد از گذشت مدتی ناگهان در پای مادر م به حالت

زجر آوری رسید و پایش به شدت ورم کرد. دوباره او را نزد یکی از پزشکان متخصص بردیم و باز هم مانند مرحله قبل تصویر برداری انجام شد. وقتی پزشک معالج تصویر پای مادر م را دید با تعجب گفت که پلاتین به شدت خمیده است و حتما باید به بیمارستان بروید! به ناچار روانه بیمارستان شدیم و عکس ها را به پزشکان نشان دادیم! می گفتند شما می توانید بیمارستان را به بیمارستان خصوصی ببرید، ما هم با آن بیمارستان تماس گرفتیم که ابتدا موافقت کردند اما نمی دانم چرا از روز گذشته (دیروز) ادعا کردند که ما این گونه بیماران را نمی پذیریم! این جا بود که در نفر دیگر که مشکلی شبیه ما داشتند نیز به بیمارستان مراجعه کردند و ما تازه فهمیدیم که احتمالا «پلاتین ها» استاندارد نیستند. با این حال مسئولان بیمارستان و پزشکان متعهد شدند که دوباره مادر م را عمل کنند و این بار «پلاتین» بهتری بگذارند! ما هم منتظر هستیم چرا که قرار است تا یک ساعت دیگر (روز گذشته) او را به اتاق عمل ببرند و پلاتین پایش را جایگزین کنند. این همراه بیمار که بسیار از این وضعیت ناراحت بود با طرح این سوال که چه کسی خسارت های مادی و معنوی ما را می پردازد، اضافه کرد: وقتی موضوعی به عموم مردم ارتباط پیدا می کند و از یک معضل شخصی می گذرد باید مدعی العموم پیگیر ماجرا باشد و پشت پرده این حقیقت های تلخ را افاش کند چه بسا که افراد دیگری قربانی این حادثه شده اند اما به دلیل آگاهی نداشتن از امور پزشکی نمی توانند حق خود را مطالبه کنند.

در همین حال همراه یکی دیگر از این بیماران (ع- گ) به خبرنگار خراسان گفت: حدود ۴۰ روز قبل بود که مادر م را به دلیل «زمین خوردگی» به بیمارستان نیشابور انتقال دادیم و بنا به نظر پزشکان به دلیل شکستگی استخوان پا بستری شد تا عمل «پلاتین گذاری» انجام شود. این در حالی بود که هزینه زیادی را متحمل شدیم و «پلاتین ها» را نیز در بیمارستان تهیه کردند. اما از چند روز قبل تورم وحشتناکی در پای مادر م پدیدار شد و درد جانکاهی و جودش را فرا گرفت. وقتی با همه سختی ها دوباره او را نزد متخصصان ارتوپدی بردیم و تصویر برداری ها انجام شد به حقیقت تلخی رسیدیم که بیانگر کج شدگی یا شکستگی «پلاتین» در پای مادر م بود. بی رنگ به همان بیمارستان رفتیم و من ماجرا

## ۲هزار سارق فعال در سرقت های استان کرمان

اول کشور و استان کرمان است، گفت: به همین منظور قرارگاه مبارزه با سرقت در استانداری ها، ستادهای فرماندهی انتظامی و دادگستری های کشور تشکیل شده است. وی خاطر نشان کرد: بر اساس آمار ثبت شده در سامانه CMS دادگستری کل استان کرمان در چهار ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل میزان پرونده های مربوط به سرقت در مجموع ۲۰ درصد کاهش داشته است. این مقام قضایی گفت: بیشترین آمار پرونده های ثبت شده در سامانه CMS مربوط به سرقت در بازه زمانی چهار ماه امسال در شهر کرمان با سه هزار و ۳۴۸ پرونده است که (معادل از اتباع خارجی به شمار می روند.

#### آگهی مزایده

سازمان سیما منظر و فضای سبز شهری شهرداری نیشابور در نظر دارد به استناد مجوزهای موجود موارد مشروح ذیل را از طریق مزایده به اجاره واگذار نماید لذا متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار این آگهی لغایت پایان وقت اداری (ساعت ۱۴) روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ با مراجعه به سامانه www.setadiran.ir اسناد مزایده را دریافت نمایند.

آخرین مهلت ارائه پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه (ساعت ۱۴) مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۴.

هزینه نشر آگهی به صورت مساوی برعهده برنده یا برندگان مزایده میباشد.

ردیف	عنوان مزایده	مبلغ پایه مزایده (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال)	نوبت مزایده	توضیحات
۱	زمین واقع در بوستان گلریز جهت نصب کیوسک مطبوعاتی	۳۱۰۰۰/۰۰۰	۱۸۰۰۰/۰۰۰	دوم	۹متر مربع
۲	زمین واقع در بوستان سرو جهت نصب پارک بادی ومجموعه بازی کودکان	۳۹۱۰۰۰/۰۰۰	۲۳۴۰۰/۰۰۰	دوم	۴۵۰متر مربع
۳	زمین واقع در بوستان هاشمی نژادجهت نصب کیوسک مطبوعاتی	۵۱۰۰۰/۰۰۰	۳۱۰۰۰/۰۰۰	دوم	۹متر مربع
۴	زمین واقع در ابتدای خیابان شرعیتی جهت نصب کیوسک مطبوعاتی	۶۱۲۰۰/۰۰۰	۳۱۷۲۰۰/۰۰۰	دوم	۷۵متر مربع
۵	زمین واقع در بوستان امین اسلامی نصب کلبه چوبی جهت فروش گل وگیاه	۱۲۱۵۰۰/۰۰۰	۷۱۵۰۰/۰۰۰	دوم	۶متر مربع
۶	زمین واقع در بوستان ارغوان جهت نصب پارک بادی ومجموعه بازی کودکان	۵۸۱۰۰۰/۰۰۰	۳۴۱۸۰۰/۰۰۰	دوم	۳۰۰متر مربع
۷	زمین واقع در بوستان شهدای گمنام جهت نصب کیوسک مطبوعاتی	۵۱۲۰۰/۰۰۰	۳۱۱۲۰۰/۰۰۰	دوم	۶متر مربع
۸	زمین واقع در بوستان دانشجو جهت نصب کیوسک مطبوعاتی	۱۲۱۰۰۰/۰۰۰	۷۱۲۰۰/۰۰۰	دوم	۶متر مربع
۹	زمین واقع در بوستان سروجهت نصب کیوسک مطبوعاتی	۹۱۵۰۰/۰۰۰	۵۱۷۰۰/۰۰۰	دوم	۹متر مربع
۱۰	زمین واقع در مجموعه افلاک نماجهت نصب پارک بادی ومجموعه بازی کودکان	۱۵۱۰۰۰/۰۰۰	۹۱۰۰۰/۰۰۰	اول	۲۵۰متر مربع
۱۱	زمین واقع در بوستان هاشمی نژاد جهت نصب پارک بادی ومجموعه بازی کودکان	۲۵۱۰۰۰/۰۰۰	۱۵۱۰۰۰/۰۰۰	اول	۲۵۰متر مربع
۱۲	زمین واقع در بوستان زائرجهت نصب پارک بادی ومجموعه بازی کودکان	۲۵۱۰۰۰/۰۰۰	۱۵۱۰۰۰/۰۰۰	اول	۲۵۰متر مربع
۱۳	زمین واقع در بوستان امین اسلامی جهت کافی شاپ	۶۱۰۰۰/۰۰۰	۳۴۰۰۰/۰۰۰	اول	۲۵۰متر مربع

سازمان سیما منظر و فضای سبز شهری شهرداری نیشابور

در امتداد تاریکی

#### ماجرای دست بندهای خیانت!

این بار وقتی شوهر م را از خانه بیرون کرد به منزل خالی از سکنه ای رفتم که پدر م در مشهد خریداری کرده بود اما مدتی بعد ناگهان همسر م به همراه چند مرد غریبه از بالای دیوار به درون حیاط پریدند و ...

به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۳۷ساله ای است که قرار بود تا ساعتی دیگر به مراجع قضایی معرفی شود. او که دست بندهای قانون بر دستانش خودنمایی می کرد در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سجاد مشهد گفت: ۱۴ سال قبل پای سفره عقد نشستم و زندگی مشترک م را با «ارژنگ» آغاز کردم. او جوانی تحصیل کرده بود و اوضاع مالی خوبی داشت اما از غرور خاصی برخوردار بود و هر ماجرای کم اهمیتی را طوری تفسیر می کرد که انگار به او توهمین شده است. خلاصه تنها مشکل ز زندگی من و ارژنگ نیز به همین غرور هایش گره خور دو مسیر ما را از یکدیگر جدا کرد چرا که چند سال قبل با پول هایی که پس انداز کرده بودم با کمک مالی پدر م یک دستگاه خودروی مایز خریدم و سندان را به نام خودم ثبت کردم. این رفتار من حساسیت همسر م را برانگیخت و در حالی که از همان ابتدا مخالف خرید خودرو بود دیگر در باره این خودرو هیچ کاری به من نداشت حتی سوار آن هم نمی شد، اگر تصادفی می کردم یا خودرو نقص فنی داشت او باز هم دخالتی نمی کرد و من باید به هر طریق ممکن خودم به تنهایی مشکلات م را بر طرف می کردم. من هم گاهی نمی توانستم هزینه بیمه خودرو را پرداخت کنم و برای مخارج بنزین دچار مشکل می شدم، با این حال خیلی شوق داشتم ترانندگی کنم و از این کار لذت می بردم، در این شرایط حدود یک سال قبل بود که در بزرگراه فجر نتوانستم خودرو را کنترل کنم و به عقب یک دستگاه پراید کوبیدم. راننده آن خودرو جوانی حدود ۳۰ساله بود و قصد داشت با پلیس تماس بگیرد اما من که می دانستم مقصر صد در صد هستم به او گفتم خسارت خودرو اش را می پردازم، «سلمان» هم پذیرفت و من با همسر م تماس رفتم تا به کمکم بیاید. با آن که قبل پاسخ او را می دانستم ولی در شرایط بدی گرفتار شده بودم و چاره ای جز التماس به همسر م نداشتم اما ارژنگ از آن سوی خط گفت: «خودت هر غلطی می خواهی بکن! و بلافاصله گوشی را قطع کرد. من که دیگر امیدی به هیچ کسی نداشتم مدارک خودرو را به سلمان دادم و شماره تلفن ش را گرفتم تا سر فرصت خسارت خودرو اش را ببر دارم. بعد از چند ماه دو میلیون تومان به حساشش واریز کردم ولی او مدام تماس می گرفت و بقیه خسارتش را طلب می کرد.

این تماس ها و پیامک ها به جایی رسید که تقریبا هر روز با یکدیگر ارتباط داشتیم و همین موضوع در حالی منجر به آشنایی بیشتر ما شد که او در جریان زندگی خانوادگی من قرار گرفته بود و می دانست پولی برای پرداخت خسارت خودرو اش ندارم. من هم برای آن که او اراضی کنم تا از خیر دریافت بقیه خسارت هایش بگذرد به ناچار حقیقت هایی از رابطه سرد عاطفی خود م با ارژنگ را ایش بازگو می کردم. در همین روز ها بود که سلمان از من خواست برای رهایی از این شرایط بیشتر با یکدیگر ارتباط داشته باشیم و این گونه بود که آرام آرام ارتباط ما و دیدار های پنهانی ما مشکل صمیمانه تری به خود گرفت. سلمان جوانی خوش اخلاق و خوش برخورد بود به طوری که هنگام گفت و گو با او همه تلخکامی های مرا فراموش می کردم. روز ها به همین ترتیب سپری می شد تا این که چند ماه قبل همسر م به ارتباط من با یک جوان غریبه مشکوک شد و من عصبانیت م را از خانه بیرون انداخت. من هم به منزل پدر م رفتم و با بیان این که ارژنگ به من تهمت ناروا می زند همه چیز را انکار کردم، بلاخره با میانجی گری پدر م دوباره به زندگی مشترک م با ارژنگ برگشتم اما روابط ما همچنان سرد و بی عاطفه بود. حالا دیگر بی مهری ها نیز بر آن افزوده شده بود و تقریبا همه اطرافیان ما مجرای اسفند را فهمیده بودند و حتی فرزند نامم با تردید به من می نگریستند ولی من باز هم به انکار هایم ادامه می دادم تا این که دوبار با همسر م بر سر همین موضوع مشاجره کردم و او شب هنگام م را از خانه بیرون کرد. این بار به منزل خالی از سکنه ای رفتم که پدر م در مشهد خریده بود تا هنگام مسافرت به مشهد سرباز بستگان مان نشود. در آن خانه همه امکانات اولیه زندگی وجود داشت و سلمان نیز اوقات بیکاری اش را نزد من می آمد و تنهایی ا مرا پر می کرد. من هم دیگر شوهر و فرزند نام را فراموش کرده بودم و سرگرم خوش گذرانی های خودم بودم که ناگهان یک روز شوهر م به همراه چند مرد غریبه از بالای دیوار به داخل حیاط پریدند و من و سلمان را که کنار یکدیگر نشسته بودیم تحویل ما مورا ن پلیس ۱۱۰ دادند. اکنون نیز در حالی منتظر تعیین تکلیف پرونده ام هستم که خوب می دانم نه تنها در حق خودم بلکه به همه خانواده و فرزندانم نیز جفا کرده و آبروی آن ها را به بازی گرفته ام اما ای کاش همسر م را با مهر و محبت و مسئولیت پذیری اش آداب می کرد نه با غرور و تعصب و مراقبت هایش ... گزارش خراسان حاکی است هنوز سخنان بهناز به پایان نر سیده بود که او و سلمان با صدور دستوری از سوی سرهنگ انوربان (رئیس کلانتری سجاد) راهی دادگاه شدند تا قانون در باره اتهام آن ها حکم کند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی